

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۵

## بررسی سبکی اشعار دینی قرن یازدهم هجری و مقایسه آن با قرنهای نهم و

دهم هجری

(ص ۲۲-۱)

فاطمه ابوحمزه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

### چکیده

این نوشتار در صدد تبیین سبک اشعار دینی قرن یازدهم هجری است. برای دست یافتن به سبک این دوره، اشعار شاعرانی از جمله فیاض لاهیجی، نظیری نیشابوری، نجیب کاشانی، فیض کاشانی، جويا تبریزی، طالب آملی، کلیم همدانی و محمدقلی سلیم تهرانی از نظر مختصات ادبی در سه شاخه؛ علم بیان در چهار مبحث تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز، علم معانی و علم بدیع مطالعه گردید و میزان فصاحت اشعار بررسی شد و مختصات فکری در چهار مبحث زیر بررسی گردید:

الف. اعتقادات کلامی شیعه: با تکیه بر بحث شفاعت، امامت

ب. اشعار منقبتی: نعت و ذکر فضایل معصومین (علیهم السلام)

ج. تقید به شریعت

د. فلسفه و عرفان: واکاوی نشانه‌های عرفانی و فلسفی در اشعار

سپس بسامدهای به دست آمده از این مطالعات تحلیل شده است و با قرن نهم و دهم

مقایسه گردیده است.

**کلمات کلیدی:** سبک اشعار دینی، منقبت، اعتقادات کلامی شیعه، قرن یازدهم، فلسفه،

عرفان.

## مقدمه

در این مقاله به بررسی ویژگیهای سبکی اشعار دینی شاعران قرن یازدهم هجری میپردازیم. دیوان شاعران این دوره کمتر تصحیح شده و به چاپ رسیده است. برخی از شاعران هم اثر قوی و قابل توجهی در این موضوع از خود بر جای گذاشته‌اند. از جمله شاعرانی که در این دوره میتوان به عنوان شاعران ولایی سرا نام برد عبارت از نجیب کاشانی، نظیری نیشابوری، فیاض لاهیجی، فیض کاشانی و جويا تبریزی هستند. طالب آملی، کلیم همدانی و محمدقلی سلیم تهرانی نیز اشعاری در این باره سروده اند.

شاعران قرن نهم و دهم که اشعار دینی آنها با اشعار شاعران این قرن مقایسه میشوند عبارتند از: اهلی شیرازی، نظام استرآبادی، زلالی خوانساری، محتشم کاشانی، عرفی شیرازی و شفایی اصفهانی. در مقاله ای به شرح ویژگیهای سبکی اشعار نیمه دوم قرن دهم پرداخته ایم که در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام از نتایج آن تحقیق استفاده کرده و از ذکر مجدد مطالب خودداری میکنیم. (ر.ک. ابوحمزه، ۱۳۹۲، ۱-۲۰) به رغم اهمیت این قرن در شکل گیری مناقب و مدایح خاص ائمه معصومین (علیهم السلام) که چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی در شعر دینی شاعران قرن دوازدهم و نیمه اول قرن سیزدهم تکامل یافته و به اوج میرسد؛ در بین اشعار شاعران نامبرده قرن یازدهم از جمله فیاض لاهیجی، محمد قلی سلیم، طالب آملی مدح عام بیشتر از مدح خاص و ذکر فضایل معصومین (علیهم السلام) دیده میشود. در قرن نهم و دهم نیز در اشعار شاعرانی چون عرفی شیرازی، زلالی خوانساری و اهلی شیرازی مدایح عام به وفور دیده میشود. با افزایش معارف شیعی پس از استقرار حکومت صفویه در این دوره اشعاری مرتبط با معارف خاص شیعه در مضامین شعری شاعرانی چون فیض کاشانی و نظیری نیشابوری مطرح میگردد. در ادامه به بررسی ویژگیهای سبکی اشعار دینی قرن یازدهم میپردازیم. به علت تعدد مطالب و محدودیت صفحات مقاله به یک یا دو شاهد مثال برای هر عنوان بسنده کرده ایم.

## ۱. مختصات ادبی

### ۱-۱ بیان

#### ۱-۱-۱ تشبیه

##### ۱-۱-۱-۱ تشبیه موکد

در نعت حضرت علی بن موسی الرضا (ع)

عبرافشان دود شمع روضه پر نور اوست

جلوه روح ملایک در بهشت جاودان

(نجیب، ۶۳۶)

۱-۱-۲ تشبیه مشروط

در نعت حضرت امام محمد باقر (ع)

نظیر اوست مجرد اگر بود خورشید  
شبهه اوست مجسم اگر شود قرآن (فیاض، ۵۷)  
۳-۱-۱-۱ تشبیه مضمّر

در نعت حضرت امیرالمومنین (ع)

دل که برخیزد ازین کو بر فلک ناید فرود  
بر نمیتابد شکوه این کبوتر هیچ بام  
(فیاض، ۳۴۸)

۴-۱-۱-۱ تشبیه مرکب

در نعت امام حسن عسکری (ع)

آسمان صفتّ نعالیست ز محفل‌گه او که درین صف نرسد صدرنشینی به زحل (فیاض، ۸۹)  
۵-۱-۱-۱ تشبیه حروفی

تا کسی را با شه مردان برابر نشمری  
کرده قطع این سخن مقرّاض لای لافتی  
(کلیم، ۹)

بسامد استفاده از تشبیه حروفی در قرن دهم بسیار بیشتر از قرن یازدهم و نهم میباشد. شاعرانی چون نظام استرآبادی و زلالی خوانساری و شفایی از شاعران قرن دهم از این نوع تشبیه بسیار استفاده کرده اند.

۲-۱-۱-۲ استعاره

معاویه که سبب گشته حرب صفین را  
صف غزال به چنگ غضنفر آورده  
(نظیری، ۴۹۲)

۱-۲-۱-۱ استعاره مکنیه

دیگر غم که گونه خورشید را شکست  
بر روی مه خراش کلف ز ابتلای کیست  
(فیاض، ۳۶۰)

کلف، لکه‌هایی که بر روی ماه دیده می‌شود. مصرع دوم لکه‌های ماه را خراشی بر دانسته است که در بیتابی عزای حضرت امام حسین (ع) ماه بر روی خود کشیده است. هر دو مصرع استعاره مکنیه دارند.

در نعت حضرت امیرالمومنین (ع)

گر عقل به پیمودن جاه تو برآید  
بال و پر اندیشه بسوزد چو بپرد  
بر کنگره عرش بماند ز سفر بر  
بر اوج جلال تو به پرواز نظر بر (فیاض، ۳۴)

۲-۱-۲-۲ استعاره تمثیلی

در نعت حضرت امیرالمومنین (ع)

که آفتاب فرو رفته را برآورده  
که سنگ ریزه گرفته است و گوهر آورده  
(نظیری، ۴۹۳)

آبی به حلق تشنه‌ سلطان کربلا(فیاض، ۳۶۲)

که غیر باب علی را به گل برآورده  
(نظیری، ۴۹۲)

چشم بر دست تو دارد از نگین انگشترین  
چشم بر دست داشتن کنایه از امیدوار بودن

روز اول که شد آرامگهت این مَرَجَل  
مرجل، نوعی چادر یمنی، کنایه از دنیا.

ای مدینه شفقتی بی تو ندارم صابری  
(نظیری، ۴۹۸)

چون از تن عزیز جدا پیرهن فتاد  
آمد به طوس و در حرم بو الحسن فتاد  
یعقوب‌وار هر که به بیت الحزن فتاد  
(نظیری، ۵۵۶)

مثال نور خود و نور حیدر آورده  
که سر ز جیب محمد علی برآورده  
(نظیری، ۴۹۱)

شاعران قرن یازدهم نسبت به شاعران قرنهای نهم و دهم به علم بیان توجه بیشتری کرده اند و از آرایه های پیچیده تری چون استعاره تمثیلی، کنایه و تمثیل استفاده کرده اند.

## ۲-۱ بدیع

۱-۲-۱ بدیع معنوی

۱-۲-۱-۱ تلمیح

چگونه نور کسی را به گل توان اندود  
چگونه قول کسی را توان به خاک انداخت

۳-۲-۱ استعاره تبعیه

خون خورد تیغ نیز که تا یک نفس رساند  
۳-۱-۱ کنایه

در نعت حضرت علی بن ابیطالب (ع)

گشایش از در دیگر مجو به حکم خدا

گرچه بر فیض نگین تست چشم عالمی  
(جویای تبریزی، ۳۶۲)

در نعت حضرت امام حسن عسکری(ع)

در زمین بوس تو گردون ز قضا سبقت خواست  
(فیاض، ۸۹)

۴-۱-۱ اسناد مجازی

ای نجف جذبی که بسیار آرزومندم به تو

۵-۱-۱ تمثیل

از مرقد نبی بر و دوش مبارکش  
گم گشت بوی پیرهن از مرز و بوم مصر  
روشن ز گرد قبر رضا ساخت دیده را

نبی که معجزه ماه دو پیکر آورده  
فراز منبر یوم الغدیر این رمز است

### تلمیح به آیات قرآن

در نعت حضرت امیرالمومنین (ع) و اثبات امامت ایشان

ز قرآن کنم اول اثبات مطلب  
دگر از احادیث اتمام دعوی  
«لِيُذْهِبَ» به شأن که بود و «يُطَهِّرَ»  
ز «يَتْلُوهُ» شهادت به سوی که ایمی  
به تنزیل شد «هل أتى» از چه منزل  
نبی را ز «بلغ» چرا کرد عتبی  
که از «انما» بود مقصود ایزد  
به سائل که انگشتری کرد اعطی (فیاض، ۴۰)  
تلمیح به آیات سی و سوم سوره مبارکه احزاب، هفدهم سوره مبارکه هود، اول سوره مبارکه دهر و پنجاه و پنج سوره مبارکه مائده. در بیت دوم ایمی ممال ایما است.

تلمیح به حدیث

در این بحث به علت محدود بودن صفحات مقاله تلمیحاتی را که به احادیثی اشاره دارند که در دوره های قبل ذکر نشده یا بسیار کم آورده شده است به عنوان شاهد مثال می آوریم.

در نعت حضرت محمد (ص)

عشق بازی بین که بهر یک شجر دهقان صنع  
هشت خضرا آفریده هفت غبراساخته  
(نظیری، ۴۸۴)

بیت تلمیح به حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى - وَ خُلِفْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا وَ عَلِيٌّ فَرْعُهَا، - وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا» (حسکانی، ۲ / ۲۰۳) دارد. این تلمیح در شعر قرون گذشته دیده نمیشود.

بر معاند ظن لاف «لانیبی بعدی» زده  
«ما انا الا بشر» نزل احبا ساخته  
(نظیری، ۴۸۹)

تلمیح به این سخن پیامبر (ص) در واقعه غدیر «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِي بَعْدِي.»  
به شأن که جبریل شد لا فتی گو  
پیمبر برای که گفت انت منی  
به روز غدیر از برای که می گفت  
به بالای منبر نبی لست اول  
برای که بود اینکه گردید صادر  
دیشی که نقلست در طیر مشو  
چرا کرد امر سلام امامت  
چرا اجر تبلیغ شد حُب قُرب  
کسی کین دلایل دراهوست مجری  
کس کاین فضائل مر او راست ثابت  
بود در امامت ز هر غیر سابق  
بود در خلافت ز هر غیر آحری  
یقین محض جهلست و عین شقاوت  
نمودن به او دیگری را مساوی  
(فیاض، ۴۰)

این ابیات در اثبات ولایت حضرت امیرالمومنین (ع) به احادیث زیر تلمیح دارد :

بیت اول: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ: لَأَسَيِّفَ إِلاَّ ذُو الفَقَارِ، وَ لا فَتَى إِلاَّ عَلِيٌّ» (الكافي، ۲۷۰/۱۵)

بیت دوم: سخن پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر: «أ لَسْتُ أُولَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»  
بیت چهارم اشاره به سخن پیامبر دارد که پس از نازل شدن جبرئیل در روز چهاردهم ذی الحجه و آوردن لقب امیرالمومنین برای ایشان به اصحاب امر فرمودند نزد حضرت علی (ع) رفته به ایشان «السلام عليك يا اميرالمومنين» بگویند. (انصاری، ۱۳۸۶، ۴۶) همچنین مصرع دوم به آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری دارد.

از سلونی تا اقلونی بسی فرق است فرق باز کن چشم بصیرت، او کجا یاران کجا  
(کلیم، ۹)

اشاره به سخن حضرت علی (ع) «سلونی قبل أن تفقدونی» (ابن بابویه، ۴/ ۱۳۶۷، ۴۹۸) به سخن خلیفه اول «اقلونی: مرا واگذارید.» تلمیح‌های مربوط به ولایت حضرت امیرالمومنین (ع) در این قرن روند افزایشی داشته است.

تلمیح به حوادث تاریخی  
قوی به ذریت خویش دیده ظهر علی پیمبرش شب هجرت به بستر آورده  
(نظیری، ۴۹۲)

اشاره به واقعه ليله المبیت . شاعران قرنهای گذشته به این موضوع اشاره نکرده اند.  
که بود آنکه با او به فرمان ایزد نبی شد مباحل به قوم نصاری  
به رد برائت که گردید مأمور به اعطای رایت که را کرد انهی  
(فیاض، ۴۰)

بیت نخست تلمیح به واقعه مباحله پیامبر اکرم (ص) با یهودیان نجران و به همراه بردن اهل بیت ایشان دارد. شاعران قرنهای نهم و دهم به این موضوع اشاره نکرده اند. بیت دوم اشاره به بازستاندن آیات برائت از ابوبکر و رساندن آن توسط حضرت علی (ع) به حاجیان در عید قربان دارد.

تو لایقی به خلافت ز روی عقل و قیاس توپی سزای امامت به حجت و برهان  
تویی که جابر انصاری از زبان رسول سلام داده ترا بعد قرنهای ز زمان  
(فیاض، ۵۸)

تلمیح به واقعه ملاقات جابر انصاری حضرت امام باقر(ع) و رساندن سلام آن پیامبر به ایشان و نقل حدیث جابر که در آن یک یک امامان به اسم و نشان در آن ذکر شده اند. شاعران قرنهای نهم و دهم به این موضوع اشاره نکرده اند.

غرض ز بیت به غیر از ظهور معنی نیست  
ز بندگان دگر خانه زاد ممتاز است  
چو معنی آمده بیرون علی ز بیت الله  
کسی به نسبت او نیست در حریم الله  
(فیض، ۳۴۵)

اشاره به میلاد حضرت امیرالمومنین (ع) در خانه کعبه

هزار شاهد عادل به مجمع اسلام  
ز قول ثابت «لو لا علی» برجم نسا  
به فضل خویش مثالی مقرر آورده  
ندای بخ بخ یا علی مولایی  
اشاره به وقایع صدر اسلام در اثبات برتری حضرت علی (ع) بر صحابه برای جانشینی پیامبر اسلام (ص). شاعران دوره های قبل به مضمون ذکر شده توجه خاصی نکرده اند.

به علت محدود بودن صفحات مقاله تنها تلمیحاتی که در دوره های قبل ذکر نشده بود به عنوان شاهد مثال ذکر گردید. مضامینی چون اشاره به شکسته شدن دندان پیامبر اسلام (ص) در جنگ احد و تلمیح به واقعه فتح مکه و بر دوش پیامبر قرار گرفتن حضرت علی (ع) و شکستن بت‌های کعبه در این قرن نیز مانند قرنهای قبل دیده میشود.

#### تنسیق الصفات

در منقبت حضرت زهرا (ع)

نهال گلشن عصمت گل حدیقه دین  
گرانبها صدف گوهر حسین و حسن  
نتیجه‌ای که ز انتاج قدر او زادند  
پی نتایج احدی عشر ز روی شرف  
سرور سینه بی‌کینه رسول خدا  
قیاس منتبج قدر ائمه والا  
نتایج کرم و علم و فضل و جود و سخا  
علی مقدمه کبریت و او صغری  
(فیاض، ۴۲)

تنسیق الصفات از شگردهای ادبی است که شاعران برای نعت و ذکر فضایل ائمه در قرن نهم و دهم دیده میشود و با رواج آن شاعران قرن یازدهم بیشتر از دوره های پیش از آن استفاده کرده اند.

#### اسلوب معادله

صورت شق القمر بر چرخ دانی چه بود؟  
زنده ام از فیض مهر شاه دین پرور علی  
خاتمی میکرد در انگشت بشکستش نگین  
استثنای منقطع  
(نظیری، ۵۴۵)  
گر وجودی ذره را باشد بود از آفتاب  
آبی که دیو و دد همه چون شیر می‌خورند  
(جوی، ۳۲۱)  
آل پیمبر از دم شمشیر می‌خورند  
تجاهل العارف  
(فیاض، ۳۶۲)

عالم تمام نوحه‌کنان از برای کیست  
نیلی چراست خیمه‌نُه توی آسمان

دوران سیاهپوش چنین در عزای کیست  
جیب افق دریده ز دست جفای کیست  
(فیاض، ۳۶۰)

### حسن تعلیل

در نعت رسول الله (ص)

از چه شد شق القمر دانی ز شوق روی او  
چشیده اند ز خوان عطایش شیر و جان

سینه را مه چاک زد در وقت پیرهن دری  
(نظیری، ۴۹۸)

از آن همیشه سرانگشت می‌کنند اطفال  
(جویای تبریزی، ۳۵۱)

در منقبت حضرت امیرالمومنین (ع) و تهنیت عید غدیر

تا حشر در تمام زمین غدیر خم  
انگشت شاهی است برآورده سر ز خاک

روید به جای سبزه زبانهای عذرخواه  
بر صدق این روایت آن روز هر گیاه  
(نجیب، ۵۷۶)

در تعزیت حضرت سیدالشهدا (ع)

از بار غم خمیده قد ماه نو بلی  
خون شد دل ملایک و افلاک را ز چشم

پشت سپهر نیز ازین غصه‌ها خمست  
(فیاض، ۳۶۱)

خونی است این شفق که به دامان فتاده است  
(فیض، ۴۶۱)

در منقبت حضرت امام رضا (ع)

شهاب نیست که میریزد آسمان هر شب  
در منقبت حضرت صاحب الزمان (عج)

ز نقد خویش برین بارگاه بهر نثار (فیاض، ۷۸)

تا صبح وار از افقی سر برآوری (طالب آملی، ۱۰۹)

شده‌هر را سپیده نشان چشم انتظار  
**پارادکس و تضاد**

در مدح حضرت امیرالمومنین (ع)

بسته‌ کام نیم پیش تو با دعوی عشق  
گرچه از ذره کمم در دو جهان لیک چه غم

که به ناکامیم اینک ز تو صد کام رواست  
که دل از مهر توام ذره خورشید نماست  
(فیاض، ۲۷)

در تعزیت حضرت سیدالشهدا (ع)

شاهنشاه زمانه اسیر خسان شده  
لشکر بلند گشته و سلطان فتاده است  
(فیاض، ۴۶۱)



### بدل بلاغی

شمع ایمان، علی که بر یادش آستین بر جهان بیفشانی (طالب آملی، ۱۵۱)  
آن شهسوار معرکه کربلا، حسین مهمان نو رسیده دشت بلا حسین (فیاض، ۳۶۰)  
ایهام

در اشعار دینی از ایهام استفاده چندانی نمیشود زیرا قصد شاعر شرح فضایل معصومین (ع) است.  
ایهام تبادر

در منقبت حضرت مولی الموحدین علی بن ابیطالب (ع)

چه تیغ لمعه برقی که از سهام نیام چو نور او علم افراخت رنگ نار شکست  
(سلیم، ۹۹۸)

واژه علم، علم حضرت امیرالمومنین (ع) را به ذهن تبادر میکند.

در منقبت حضرت امام حسین (ع)

متابع تو بود تشنه لب به خون عدو نمی شود ز فرات احتیاج او ممنون  
(فیاض، ۵۰)

زبان وحی بیانی، کجاست تا که کنم ثنا و مدح حسین علی به وجه حسن  
(جویا تبریزی، ۳۵۷)

دریده است چو گل، صبر، پیرهن در تن نموده است دلم شمع الامان روشن  
(نجیب، ۵۷۰)

صبر پیرهن دریده است: بی طاقت شده است، گل پیرهن دریده است: شکوفا شدن گل

### ۳-۱ معانی

#### ایضاح بعد از ایهام

امام مشرق و مغرب که آفتاب بلندبود به پرتو مهرش چو ذره در جولان  
محمد بن علی باقر العلوم که هست بلند رایت علمش ستون این ایوان  
(فیاض، ۵۷)

ضیای دیده دانش، صفای سینه عقل فروغ ناصیه دین، علی ولی الله  
همان که سلسله شاهدان قدسی را عبیر بو کند از خاکروبی درگاه  
(طالب آملی، ۹۳)

تعریف دوباره

گویا مصیبت همه دلهای مبتلاست یعنی عزای شاه شهیدان کربلاست (فیاض، ۳۶۰)

### ۳-۳ سوال بلاغی

دانی ز کیست زیب ده تاج «آما»  
بر قامت که خلعت زیبای «هل اُتی»  
(جویا تبریزی، ۳۸۳)

دانی ز کیست تخت ولایت قوی اساس  
دانی به کارخانه قدرت بریده اند

#### ۴-۳-۱ ندا با اغراض بلاغی

ندا با غرض بزرگداشت و تکریم

نعلین خادمان تو یا مرتضی علی  
بر گردن‌آوران تو یا مرتضی علی (نجیب، ۶۲۷)

بر فرق مهر و ماه بود تاج افتخار  
روحم ز شوق کوی تو پرواز میکند  
در منقبت حضرت صاحب الزمان (عج)

زیب از تو یافته روش شرع گستری بر روزگار  
چون نشینی به داوری (طالب آملی، ۱۰۹)

ای شرع تو مروج دین پیغمبری  
دعوای غبن عمر کنند اهل روزگار  
ندا با غرض استغاثه

همچو گنجم در زمین کربلا سازی دفین  
(جویای تبریزی، ۳۶۲)

یا امیرالمومنین خواهم پس از طوف نجف

باز کن این عقده را ای سرور مشکل گشا  
(کلیم همدانی، ۵)

یا امیرالمومنین درمانده ام در کار خویش

در اشعار دینی شاعران قرن یازدهم استفاده از ندا با اغراض بلاغی به علت استفاده شاعران قرون گذشته در بین شاعران رواج یافته است. به طور کلی علاوه بر محتوای شعر دینی در قرن یازدهم شاهد ابیات قویتری از لحاظ ادبی نیز در شعر این دوره هستیم.

#### ۲. مختصات فکری

##### ۱-۲ کلام شیعی

##### امامت

در باب نص و تعیین

مشکل که به کف جلوه کند جرم سپر بر  
سالار رسل را به کمالات و هنر بر  
لایق نبود مسند خور جز به قمر بر  
نه ملک به نفسیت وی بسته کمر بر  
بیش از همه در جیب کمالات بشر بر  
با این همه منصوص به قرآن و خبر بر

این جلوه که در دست در خیبر از او دید  
داماد و پسر عم و برادر بجز او کیست  
بر جای نبی او ننشیند که نشیند؟  
ذاتی که پسر عم نبی بود و برادر  
پیش از همه گردیده به اسلام مشرف  
هم خویشی و هم پیشی و بیشی به کمالات  
(فیاض، ۳۴)

تصریح بر ولایت بلافضل و صدق ولایت حضرت علی (ع)

همه غاصبان خلافات رُجعی  
به او کرده در مشکلات وقایع  
به نصّ صریح کلام الهی  
بود جمع در وی شروط امامت  
به نص امر عصمت پذیرد تمامی  
امامت ز عصمت برد استقامت  
براهین عصمت درو هست جاری  
نصوص طهارت بر او هست وارد  
که مطلب ز هر یک پذیرد تقوی  
ز آیات ناطق احادیث صادق  
هم از روی لفظ و هم از روی معنی (فیاض، ۳۹)

ایزد به این محمّد نایب مناب داد  
علمی که داده بود محمّد به مرتضی  
مکنون کن فکان به دم مستجاب داد  
گنجور غیب بود دل خلق پرورش  
حق زان جهت تقیّ جوادش خطاب داد  
در علم و زهد و جود ز انس و ملک گذاشت  
(نظیری، ۵۵۷)

هست کافر به یقین آنکه به او دارد شک  
مفترض الطاعه بودن امام بر حق  
(جویای تبریزی، ۳۴۷)

فرع ولای شاه بود صحت اصول  
شیر یزدان، پسر عمّ نبی، زوج بتول  
طاعت به جز محبت او کی شود قبول؟  
(جویای تبریزی، ۳۸۱)

شناخت امام و ولایت تکوینی ائمه (ع)  
در نعت حضرت امام حسین (ع)  
چون تزلزل گیرد از صور فنا ارکان خلق  
نه که قرآنست در وصف شما گویا و بس  
آنچه ایمن از تزلزل باشد ارکان شماسست  
از شما بیرون نباشد سرنوشت کائنات  
آنچه را علم قضا خوانند عنوان شماسست  
آفتاب از بازگشت و ماه از شق شد  
چه شد آسمان از روز اول بنده فرمان شماسست  
(فیاض، ۳۴۸)

تأکید بر معصوم بودن ائمه هدی (علیهم السلام)  
در نعت حضرت فاطمه زهرا (س)  
چنانکه ختم نبوت به خواجه دو سرا  
بود ز غایت عصمت به ذات پاکش ختم  
(فیاض، ۴۳)

جهتگیری نسبت به دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)  
در منقبت حضرت فاطمه زهرا (س)

میبرم التـجاء به درگـاهی  
 قره العین مصطفی زهرا  
 تیر طعنم به جانب خصمش  
 آن جماعت که حق او بردند  
 باد لعنت بر و او یارانش

که مطاع پیـمیران باشد  
 که شفیع جهانیان باشد  
 تا بود جان به تن روان باشد(جویا، ۳۲۷)  
 سعی کردند در جفای علی  
 دم به دم قدر ارتقای علی(فیض، ۴۲۳)

### ۲-۱-۲ شفاعت

شاعران در قرن یازدهم به طور چشمگیری اشعاری با مضمون شفاعت توسط ائمه هدی (علیهم السلام) میسرایند اگرچه بعضی از محتوای اشعار مطابق با روایات رسیده برای حصول شرایط برای شفاعت نیست اما این مطلب تا حدی حاکی از رشد معارف شیعی در بین شاعران دارد.

در نعت حضرت رسول الله (ص)

از کمال مهر و شفقت در محل احتضار  
 امت امت گفته جان را تسلیم مولا ساخته  
 (نظیری، ۴۸۸)

در منقبت حضرت زهرا (س)

درحمایت به خلق عرصه حشر  
 از چـراغ و جـود او دایم  
 در شفاعت به امت پدرش

مهربانتر ز مادران باشد  
 روشن این تیره خاکدان باشد  
 بس که دلسوز و مهربان باشد  
 (جویای تبریزی، ۳۲۷)

### ۳-۱-۲ انتظار ظهور امام عصر (عج) و رجعت

یکی از مضامینی که با اعتلای فرهنگ شیعی در قرن یازدهم در بین تعدادی از شاعران رواج یافته انتظار ظهور امام عصر (عج) و رجعت میباشد که در اشعار دینی و ولایی دوره های گذشته سابقه نداشته است.

هر که امروز از فراق روی او سوزد چو شمع  
 هر که بهر نصرتش امروز دارد انتظار  
 بی گمان فردای رحلت موسم احیای اوست  
 درحقیقت اوشهید معرکه فردای اوست  
 (فیض، ۲۶۰)

قامت این سرو بالا کاش آید در خرام  
 جلوۀ معشوق بر عاشق قیامت می کند  
 معنی رجعت همین باشد به پیش شیعیان

تا قیامت را ببیند هرکسی بی انتظار  
 شیعه را قسمت بود در عهد او عمر دو بار  
 گر مخالف منکر رجعت بود باکی مدار(فیاض، ۹۴)

در این قرن برخلاف شاعران قرون گذشته مضامین «جبر و اختیار» و «قضا و قدر» کمتر به چشم میخورد. گاهی شاعران در ابیاتی قضا و قدر را تحت فرمان ائمه معصومین میدانند. به

مضامینی که پایه در اندیشه های شیعی دارد مانند امامت و مباحث کلامی آن، شفاعت، انتظار ظهور منجی موعود (عج) و حتی رجعت بیشتر پرداخته شده است.

## ۲-۲ در منقبت و ذکر فضایل معصومین (علیهم السّلام)

### ۲-۲-۱ در نعت پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)

در تعظیم و جلالت وجود حضرت رسول اکرم (ص)

ای وجود از نور تو ذرات پیدا ساخته  
نور تو فیاض شده بر عقل طالع گشته روح  
فیض این نورت به تسلیم ملایک کرده خاص  
سید اولاد آدم جبرئیلت خوانده نام

عقل کل را پرتو ذات تو بینا ساخته  
نور تو وارد شده بر نقش دنیا ساخته  
فیض این نورت به جنّ و انس مولا ساخته  
«رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» ت حق تعالی ساخته  
(نظیری، ۴۷۸)

منم که بر سر اقبال خویش زده ام  
مطاع خلق، شفیع امم، حبیب خدا

گل اطاعت سلطان یثرب و بطحاً  
رسول خالق کونین، خواجه دو سرا  
(جویای تبریزی، ۳۱۵)

معراج پیامبر (ص)

پای از افلاک بر رفرف نهاده همتش  
زنده از «اوحی الی عبده» دل شب داشته  
تاج تکریم «لعمرك» حق نهاده بر سرش

بر سر ره همتش جبرئیل را جا ساخته  
از «ابیت عند ربی» نزل احیا ساخته  
خلعت تعظیم «لولاک»ش به بالا ساخته  
(نظیری، ۴۸۶)

مدح عاشقانه

اظهار ارادت عاشقانه به ساحت ائمه معصومین (ع) و استفاده از اصطلاحات و تعبیرات عاشقانه در اشعار فیاض لاهیجی دیده میشود. اغلب شاعران تا این دوره سعی کرده اند با حفظ شأن و مقام ائمه هدی به اینگونه تعبیرات روی نیاورند.

لاف عشق و عاشقی فیاض و پس صبر و شکیب  
عاشقی و دوری از معشوق بیتابی کجاست

عشق اهل البیت اگر داری ز حسرت خون گری  
عاشقان را صبراز معشوق باشد کافری (فیاض، ۱۶)

### ۲-۲-۲ در منقبت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع)

در شجاعت و جنگاوری ایشان حضرت علی (ع)

طالب آملی در منقبت مولای متقیان از ردیف شمشیر برای تاکید بر رشادت و دلآوریهای ایشان استفاده کرده است:

علی عالی اعلی هژبر بیشه دین  
غضنفری که به سر پنجه شجاعت او

بود محال تا بر بدن بود یکسر

که در کَفَش بود از قدرت خدا شمشیر  
 به روز معرکه چون گردد آشنا شمشیر

شود چو گوهر خود از کَفَش جدا شمشیر  
 (طالب آملی، ۱۰۱۳)

بلندرتبّه شهی کز علوّ قدر نماید  
 فیاض لاهیجی برای نشان دادن شجاعت حضرت امام علی(ع) از ردیف «و لرزد» استفاده کرده است.

فصیح ناطقه گر چاشنی لفظ تو یابد  
 فلک چه هیبت از او در دلش قرار گرفتست

فلک گدایی رفعت ز آستانش و لرزد  
 سخن گره شود از شرم بر زبانش و لرزد

که چون غبار نشیند بر آستانش و لرزد  
 (فیاض، ۲۹)

در علم حضرت امام علی (ع)

درک کنهت نشود دست‌زد فهم کسی

این عروسیست که در حجله‌گه علم خداست  
 (فیاض، ۲۶)

وارث علم نبی ساقی حوض کوثر

هم به قدر تو مگر نسبت قدر تو دهم

فاتح قلعه خیبر شه مردان حیدر  
 که از او مرتبه ای نیست دگر بالاتر

(جوایای تبریزی، ۳۴۳)

در عظمت مقام حضرت امیرالمومنین(ع)

رو ز محشر حساب جن و بشر

او قسیم بهشت و دوزخ ماست

بیشتر نام علی مذکور باشد با عظیم  
 رتبه این اسم اعظم بین که در هفت آسمان

در کلام حق بین تعظیم شاه اولیا  
 علویان را عین نامش گشته محراب دعا

(کلیم، ۹)

مدح عاشقانه

در نعت حضرت امیرالمومنین(ع) عباراتی به کار رفته است که اغلب برای معشوق به کار گرفته

میشود و تا قبل از این برای پاسداشت مقام و عظمت ائمه معصومین(ع) از به کار بردن این

توصیفات خودداری شده است.

خیال بوسه آن لب به دل چگونه نگارم

که می‌برد لب من نام آستانش و لرزد

چگونه در کمر آرم دو دست شوخ‌وشی را  
 که زلف خیره کند دست در میانش و لرزد

ز هیچ خامه کند مانی تصور و آنگه  
 به لوح ذره کشد صورت دهانش و لرزد

(فیاض، ۲۷)

در اختصاص ولایت به حضرت امیرالمومنین(ع)

مبعوث بر ولایت او بود هر نبی  
احمد از وجود علی خاتم الرسل  
نبی ز بعد نبوت وصی شدند  
سرّ علی به هیچ پیامبر عیان نبود  
تا او عیان نگشت حقیقت عیان نبود  
کاین رتبه با ملایکه آسمان نبود  
(نظیری، ۵۵۲)

این ابیات شرحی بر حدیث معرفت امیرالمومنین (ع) نسبت به نورانیت (بحار الانوار، ۲۶/ ۱۴۰۳، ۱) میباشد، بدین مضمون که از ابتدای آفرینش ولایت مخصوص حضرت علی بن ابیطالب (ع) بوده است و او به همه پیامبران یاری رسانده است.

در معراج حضرت محمد (ص) و علو مقام حضرت علی (ع)  
ناطق نگشت تا به علی قلب مصطفی  
علی که در شب معراج میشنید  
معراج و وحی و منزل و نطق و بیان نبود  
غیری به جز حقیقتشان در میان  
نبود (نظیری، ۵۵۲)

این مضمون در شعر تعدادی از شاعران قرن دهم مانند اهلی شیرازی، نظام استرآبادی و شفایی اصفهانی درباره معراج پیامبر (ص) وجود دارد و آنها از همراهی حضرت امیرالمومنین (ع) در شب معراج با رسول الله (ص) سخن گفته اند. آنچه منقول است این است که در معراج خداوند با صدای حضرت امیرالمومنین (ع) با پیامبر اکرم (ص) سخن گفته است.

### ۳-۲-۲ در منقبت حضرت فاطمه زهرا (س)

سیادت از شرف اوست نور چشم نسب  
ز بندگان وفایش چه ساره چه هاجر  
که بود جز وی بنت الرسول و البضعه  
هنوز طینت حوا نگشته بود خمیر  
بود ز غایت عصمت به ذات پاکش ختم  
شرافت از نسب اوست تاج عزّ و علا  
ز دایگان سرایش چه مریم و حوا ...  
کرا جز اوست لقب البتول و العذرا  
که بود نامزدش گشته سروری نسا  
چنانکه ختم نبوت به خواجه دو سرا  
(فیاض، ۴۳)

### ۴-۲-۲ در منقبت حضرت امام حسن بن علی (ع)

چون راست شد به قد حسن جامه بلا  
اول به اقتدار سریر خلافتش  
و آخر به احترام مقام شهادتش  
گل بانگ تهنیت ز سمک تا سماء زدند  
بر گوش عرش طنطنه استوا زدند  
در صدر خلد نعره «قد اجتبا» زدند  
(نظیری، ۵۵۳)

### ۵-۲-۲ در تعزیت حضرت سیدالشهدا (ع)

گلدسته بهار امامت به باغ دین  
آن خو به ناز کرده آغوش جبرئیل  
آن نور دیده دل زهرا و مرتضی  
آن خواننده به رغبت و افکنده به جور

در دست کوفیان دغا مبتلا حسین  
در کربلا نشانه تیر بلا حسین  
هر گریه‌ای که وقف بر اولاد آدمست  
(فیاض، ۳۶۰)

از کوفیان ناکس و از شامیان دون  
گر صرف ماتم شه دوران شود کمست

آن نخل تازه‌پرور لطف خدا حسین  
آن پاره دل و جگر مصطفی حسین  
یعنی برادر حسن مجتبی حسین

#### ۲-۲-۶ در منقبت دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام)

برخی از شاعران ائمه معصومین(ع) را مدح گفته اند که بیشتر مدح عام است که از آوردن آنها در اینجا خودداری میکنیم.

در نعت امام سجاد(ع)

سرور اتقیما جعلت فداک  
وی کثیرالبکاء جعلت فداک  
کن شفیعاً لنا جعلت فداک  
(فیض، ۳۴۸)

زین عبّاد و سید سجاد  
ای شده از سجود ذوالثفّنات  
نحن غرقى الذنوب و العصیان

در نعت حضرت امام محمد باقر(ع)

غبار آینه گردد علوم هر دو جهان  
به باد فنا گردد حکمت یونان  
(فیاض، ۵۷)

اگر ز چهره علمش نقاب برخیزد  
ردای دانش او دامن ار بیفشاند

در نعت حضرت امام صادق(ع)

رسم عبادت نبی و آل و نمود  
در شرع شافعی سخن او ادا نمود  
مالک نسبت دست به او اقتدا نمود  
بس معجزات بر روش انبیا نمود  
او را شهید از سر جهل و جفا نمود  
(نظیری، ۵۵۵)

بنیاد شرع جعفر صادق بنا نمود  
در دین ابوحنیفه به او برد التجا  
حنبل نشست پای از او دید در وضو  
قطب زمان و حجت حق در زمانه بود  
منصور آن ستمگر شوم دوانقی

در نعت حضرت امام موسی بن جعفر(ع)

نه کظم غیظ نمودی ز اهل بغی زمان  
ز آتش غضبش برفروختی دوران  
اگر ز تورات آگه شوی ور از قرآن  
دمی که بود ظهورش نهفته در کتمان  
(فیاض، ۶۵)

امام موسی کاظم که شخص حلمش اگر  
بسان کوره تفسیده رکنهای جحیم  
تمام مدح ویست و مدیح آبایش  
به فصّ خاتم وی نقش بود امام الناس

در نعت حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع)



که هست خاک درش کحل دیده ابرار  
یکی بهار خزان و یکی خزان بهار  
به غیر درس زیارت نمی کند تکرار  
نشسته چرخ برین را غبار بر رخسار  
(فیاض، ۷۲)

فخر نفوس و عقول نقد علی رضا  
هم لقب او را تقی هم صفت او را تقا  
(فیاض، ۸۱)

هرگاه لب به کلام مبین گشاد  
باب الخلافتش ولد جانشین گشاد  
(نظیری، ۵۵۷)

دلهای ضال را به خدا رهبری نمود  
کو در امامت آیت پیغمبری نمود  
بر حنجر مبارک او خنجری نمود  
(نظیری، ۵۵۸)

قائم آل محمد حجت پروردگار  
آن به ظاهر در نهان اما بباطن آشکار  
انتقام علم کش از جهل اهل روزگار  
مرهم دلهای مجروحان از ماتم فگار  
(فیاض، ۹۴)

در این قرن شاعران سعی کرده اند در منقبت تمام ائمه معصومین (علیه السلام) شعر بسرایند. در قرن دهم نیز زلالی خوانساری و اهلی شیرازی از جمله شاعرانی بودند که چنین کوششی داشتند اما بیشتر اشعارشان مدح عام است.

### ۲-۳ شریعت

شاعران قرن یازدهم شریعت محمدی را ستوده اند اما گاهی با طرح عشق الهی از موازین شریعت فاصله میگیرند.

گر چراغ شرع پیغمبر نکردی رهبری  
(نظیری، ۴۹۸)

امام ضامن و ثامن علی بن موسی  
تیسمش به لب لطف و چین برابر وی خشم  
در آستانه او آفتاب ز آمد و شد  
نباشد ابر که از جوش زایران درش

در نعت حضرت امام محمدتقی (ع)

قره عین رسول چشم و چراغ بتول  
هم شرف بو تراب هم خلف بوالحسن

در نعت حضرت امام علی نقی (ع)

قولش به جز اوامر و احکام دین نبود  
بر دست جعفر متوکل شهید شد

در نعت حضرت امام حسن عسکری (ع)

نور سراج دین حسن عسکری نمود  
ختم عقد امامت به نسل او  
با این کمال شربت مسموم معتمد

در نعت حضرت صاحب العصر و الزمان (عج)

مهدی هادی امام ظاهر و باطن که هست  
آن بصورت غایب و حاضر بمعنی نزد عقل  
کینه خواه عدل از ظلم ستمکاران دین  
طالب خون شهیدان به ناحق ریخته

یک کس از کفر و ضلالت ره نیوردی برون

اباحه گری با طرح عشق الهی  
به توبه دل منه ای دل که بت پرست شوی  
اگر به دیده عرفان نظر کنی زاهد  
بیا به مکتب میخانه نزد پیر مغان  
به پیش اهل ولایت نماز نیست درست  
بیا که بت‌شکن آمد بهار توبه‌شکن  
یکیست توبه‌پرستی و بت پرستیدن  
که یادگیری از خویشتن سفر کردن  
اگر ز شیشه نداری طریق خم گشتن  
(فیاض، ۴۴)

#### ۲-۴ فلسفه و عرفان

توجه به عرفان  
اشاره به احادیثی که بر مذاق صوفیه خوش نشسته  
در نعت رسول اکرم (ص) اشاره به حدیث «الفقر فخری»  
نعمت الفقر فخری می‌خورم زین خشک و تر  
از نوال پادشاه ملک خشکی و تری  
(فیاض، ۱۴)

توصیف طی طریق عرفانی با مباحث فلسفی: پس از ابن عربی عرفان فلسفی رواج یافت و این روند در بین شاعرانی که به عرفان و فلسفه توجه دارند دیده میشود:  
جمال نفس نطقی جلوه‌گر می‌بین و حیران شو  
وزین یک پرده برتر شو زحسن نفس کلی دان  
جمال عقل کلی بر تو ظاهر می‌تواند شد  
تأمل کن به چشم سر جمال لایزال را  
چو ناز و عشوه و غنج و دلال دلبران بینی  
که گردش در فلک یابی و نور اختران بینی  
به چشم عشق اگر در وجد و شوق آسمان بینی  
که عقل کل در او واله چو عقل مردمان بینی  
(فیاض، ۱۹)

تقابل عقل و عشق:

اغلب در این تقابل عقل معادل فلسفه و عشق معادل عرفان محسوب میگردد.  
ترا در عشق مردن به بود از زیستن در عقل  
فلاطون عقل می‌لافد محمد عشق می‌بافد  
که این زنگار دل یابی و آن پرداز جان بینی  
تو پشت کار این بنگر که روی کار آن بینی  
(فیاض، ۲۲)

#### ۲-۴-۲ توجه به فلسفه

در شعر این دوره روند افزایشی در به کارگیری مفاهیم و اصطلاحات فلسفی دیده میشود و یکی از دلایل آن حضور فیلسوفان مشهوری چون ملاصدرا است که از شاگردان او مانند فیض کاشانی و فیاض لاهیجی میباشند.

استفاده از اصطلاحات فلسفی برای ذکر منقبت ائمه معصومین (علیهم السلام)  
در مدح حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع)

چو حافظان حریمش کشیده اند سرود  
ز حس جوهر و آواز و فکر تحریرش  
نموده اند ترقی عقول اولی را  
نموده اند صور جوهر هیولی را  
(نظیری، ۳۸۹)

معجزات پیامبر (ص) و جواب فیلسوفان منکر آن معجزات  
فیلسوفان خرق افلاک را ممکن نمیدانند بنابراین معجزه شق القمر پیامبر و معراج جسمانی ایشان  
از نظر فیلسوفان غیرممکن است. شاعران شیعی و مسلمان از طریق پذیرفتن وحی و احادیث  
رسیده به این انکار فلاسفه پاسخ میدهند.

کار یک انگشت اعجازت بود شق القمر  
خرق گردون ممتنع داند اگر نادان چه باک  
من به برهان می‌کنم اثبات این مطلب درست  
هست ظن امتناع ذاتی اینجا جهل و بس  
منع عادت هست و معجز عین خرق عادتست  
هست در حکمت بلی خرق محدّد ممتنع  
در شب معراج از اطلس فزونتر کس نگفت  
یا رسول الله خیر المرسلین ختم الرسل  
شمه‌ای از کار معراجت بود گردون دری  
ممتنع باید که یابد کار معجز برتری  
تا نپندارد کسی کاین هست محض شاعری  
خرق از اعدام آسانتر بود گر بنگری  
کی توان بی‌خرق عادت دعوی پیغمبری  
لیک غیر از سطح اطلس را محدّد نشمری  
از احادیث شب معراج دانم مخبری  
ای که در وصف تو حیران می‌شود عقل حری  
(فیاض، ۱۶)

نقد فلسفه و رد فلسفه یونان

در نعت پیامبر اسلام (ص)

با معنی من نسبت فرهنگ فلاطون  
چون نسبت صوری است به چاقی است ورم را  
(جوفا، ۳۱۸)

کیست که پیغام من جانب یونان برد  
هست حبیب خدا، راهنمای هدی  
حکمت او معرفت، خدمت او منقبت  
نکته سر بسته ای سوی حکیمان برد  
صورت انسان از او معنی انسان برد  
دوسی آل او جانب یزدان برد  
(فیض، ۲۸۲)

### ۳. نتیجه گیری

شعر دینی در قرن یازدهم راه کمال خود را پیموده و به جایگاه نسبتاً قابل قبولی از نظر  
محتوا رسیده است. اما تعداد شاعران ولایی سرا در این قرن کم میباشد که در قرن دوازدهم و  
سیزدهم این نقیصه از شعر دینی رفع میشود. مطالعات صورت گرفته در جامعه آماری مذکور نشان  
میدهد: در مختصات ادبی قرن یازدهم شاعران در مبحث بدیع بیشتر به بدیع معنوی توجه دارند و  
بیشترین بسامد مربوط به آرایه های تلمیح، تنسیق الصفات و حسن تعلیل میباشد. در حالی که در

قرن نهم و دهم آرایه‌های تجاهل‌العارف، حسامیزی و اسلوب معادله علاوه بر آرایه‌های اشاره شده نیز دارای بسامد بالایی هستند. به علاوه برخی از شاعران قرن دهم چون محتشم به بدیع لفظی توجه بیشتری کرده‌اند.

در مبحث بیان از جمله موارد قابل ذکر کم شدن بسامد استفاده از اسناد مجازی و تشبیه‌های حروفی در قرن یازدهم می‌باشد. در مقابل استفاده از شگردهای پیچیده تری چون استعاره‌های تمثیلی، تمثیل و کنایه بسامد بیشتری یافته است.

بنابراین میتوان نتیجه گرفت که مختصات سبک هندی در شعر دینی شاعران تاثیر گذاشته است اما میزان مخیل بودن شعر دینی کمتر از اشعار دیگر است.

شاعران از قالبهای ترجیع بند و ترکیب بند برای ذکر مناقب و تعزیت معصومین(علیهم السلام) استفاده میکنند اما هنوز مانند قرن دوازدهم و سیزدهم عمومیت نیافته است.

با افزایش معارف شیعی پس از استقرار حکومت صفویه مباحث مربوط به کلام شیعی مضامین اشعار دینی میگردد و در مختصات فکری شاعران قرن یازدهم نمودار میشود که از مهمترین آنها توجه به مباحث امامت میباشد. شاعران این قرن به تمام مباحث پراکنده ای که شاعران قرن نهم و دهم به آن پرداخته‌اند؛ اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه میتوان از تصریح بر جانشینی بلافضل حضرت امیرالمومنین (ع)، انتخاب امام بر اساس نص و تعیین، علم امام، مفترض الطاعه بودن امام بر حق، ولایت تکوینی ائمه (علیهم السلام) یاد کرد.

شفاعت از دیگر موارد کلام شیعی است که اکثر شاعران قرن یازدهم به آن اشاره کرده‌اند؛ اما مباحث مطرح شده درباره شفاعت همچون مضامین شاعران قرن نهم و دهم گاهی با شرایط لازم برای حصول شرایط شفاعت تفاوت دارد.

اشاره به رجعت که از اعتقادات شیعی است در این قرن توسط شاعران مطرح میشود. شاعران این قرن بیشتر از قرن نهم و دهم به مسئله ظهور امام زمان (عج) توجه کرده‌اند و حتی به برخی از مباحث کلامی چون برپایی عالم امکان به سبب وجود مقدس ایشان است، پرداخته‌اند. اشعاری که در مناقب و فضایل ائمه اطهار (علیهم السلام) در قرن یازدهم سروده شده است چند ویژگی متمایز دارد:

اول اینکه قریب به اتفاق شاعران سعی کرده‌اند در منقبت تمام معصومین (علیهم السلام) شعر بسرایند حتی اگر محدود به چند بیت باشد. اگر چه منقبت سرایی در قرن نهم به تاثیر از ادبیات غیر شیعی در برخی از شاعران محدود به ذکر فضایل حضرت پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیرالمومنین(ع) میباشد، برخی از شاعران قرن نهم و دهم مانند اهلی شیرازی و زلالی خوانساری به ذکر مناقب همه معصومین (علیهم السلام) همت گماشتند اما اغلب اشعارشان متضمن مدح عام میباشد و این روند در قرن یازدهم تکامل یافته و از فضایل خاص هریک از معصومین (علیهم

السلام) بیشتر سخن رفته است ولی هنوز هم تعداد ابیات مدح عام در شعر برخی از شاعران قرن یازدهم زیاد است.

دوم؛ با توجه به سابقه طولانی ذکر مناقب پیامبر اکرم (ص) و حضرت امام علی (ع) در ادبیات فارسی، اشعار قرن یازدهم متضمن مناقب ایشان به صورت کاملتری در جنبه های مختلف میباشد اما معراج پیامبر (ص) در شعر قرن دهم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و شاعرانی چون نظام استرآبادی، عرفی شیرازی و زلالی خوانساری معراجیه هایی جداگانه سروده اند و به معراج جسمانی پیامبر نیز تاکید کرده اند و از بین شاعران قرن یازدهم نظیری نیشابوری و نجیب کاشانی به این مسئله توجه کرده اند.

شاعران قرن یازدهم اهتمامی در تیرآ از دشمنان ائمه معصومین (علیهم السلام) و دفاع از ولایت حضرت علی بن ابیطالب (ع) داشته اند که از این جمله میتوان از نجیب کاشانی، فیض کاشانی و فیاض لاهیجی نام برد. در دوره های قبل شاعرانی چون نظام استرآبادی، اهلی شیرازی، زلالی خوانساری به این موضوع توجه کرده اند.

برخی از شاعران قرن یازدهم از جمله فیض کاشانی و فیاض لاهیجی در فلسفه و حکمت شاگرد ملاصدرا بوده اند و در اشعارشان استفاده از اصطلاحات فلسفی و ذکر فضایل ائمه اطهار(علیهم السلام) بر اساس مبانی فلسفی وجود دارد که در این مقاله به آنها اشاره میشود. از موضوعات قابل توجه دیگر اینکه شاعرانی همچون فیض کاشانی در حالی از اصطلاحات فلسفی در اشعار خود استفاده میکنند که فلاسفه و فلسفه یونان را رد کرده و از کلامیان درخواست میکنند تا جواب شبهات آنها را بدهند و خود نیز به تشریح برخی نقایص موجود در فلسفه یونانی میپردازند.

مدح عاشقانه ائمه معصومین (علیهم السلام) به وضوح از این دوره آغاز میشود تا قبل از این قرن شاعران برای پاسداشت مقام والای ائمه اطهار (علیهم السلام) از این قبیل مضامین خودداری میکردند. فیاض لاهیجی در ابیاتی با رویکردی عاشقانه به مدح ائمه اطهار(علیهم السلام) میپردازد. همچنین ذکر مناقب معصومین (علیهم السلام) با رویکرد عرفانی و با استفاده از اصطلاحات و تعبیر خاص عرفانی نیز در شعر فیاض لاهیجی دیده میشود.

## منابع

### قرآن کریم

۱. الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)، مازندرانی، محمد صالح بن احمد شرح الکافی - محقق ومصحح شعرانی ابوالحسن، تهران المکتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ ق.
۲. بحار الأنوار جلد ۲۶، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق ومصحح جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی ۱۴۰۳ ق.
۳. دیوان جویای تبریزی، جویای تبریزی، به کوشش پرویز عباسی داکانی، برگ، ۱۳۷۸

۴. دیوان سلیم تهرانی محمد قلی، تصحیح محمد قهرمان، نگاه، ۱۳۸۹
۵. دیوان فیاض لاهیجی، فیاض لاهیجی عبدالرزاق بن علی، پروین پریشان زاده ابوالحسن، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۹
۶. دیوان فیض کاشانی، فیض کاشانی، به کوشش مصطفی فیض کاشانی و فائزه و فیروزه فیضی کاشانی، اسوه، ۱۳۷۱
۷. دیوان کلیم همدانی، کلیم همدانی ابوطالب، تصحیح محمد قهرمان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹
۸. دیوان نظیری نیشابوری، نظیری نیشابوری، مصحح مظاهر مصفی، تهران، کتابخانه امیرکبیر و زوار، ۱۳۴۰
۹. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسانانی عبیدالله بن عبدالله، محمدباقر محمودی، التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیة، تهران، ۱۴۱۱ق.
۱۰. کلیات دیوان نجیب کاشانی، نجیب کاشانی نورالدین محمد شریف، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر اصغر دادبه، مهدی صدری، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲
۱۱. کلیات طالب آملی، طالب آملی، تصحیح شهاب طاهری، سنایی، بی تا
۱۲. من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه محمد بن علی، مترجم غفاری علی اکبر و غفاری محمد جواد و بلاغی صدر، محقق و مصحح غفاری، علی اکبر، تهران، چاپ: اول، نشر صدوق، ۱۳۶۷ش.
۱۳. واقعه قرآنی غدیر، انصاری محمدباقر، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹

#### مقالات

- ۱- ابوحمزه فاطمه، بررسی سبکی اشعار دینی نیمه دوم قرن دهم هجری، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۲